

رودخانه ارس

و حدیث اصحاب ارس

درباره قومی بنام «اصحاب ارس» حتماً بحث زیادی شنیده‌اید. مقاله زیر یک تحقیق و بررسی جالب تاریخی و تفسیری در پیرامون این جمعیت است.

در خاک «ارمنستان شوروی» می‌گردد .
شاخه دیگر آن که از ارمنستان شوروی سرچشمه می‌گیرد و باهمین شاخه که از ترکیه می‌آید در حال معروف به «زنکنه» در منتهی‌الیه شمال غربی ایران باهمدیگر تلاقی نموده ، نقطه تلاقی مرز مشترک ایران و شوروی و ترکیه را تشکیل می‌دهد .

از آن پس رودخانه ارس مرز مشترک ایران و شوروی را تا محلی بنام (بهرام‌تپه) تشکیل داده ؛ در برابر دهی بنام «تازه‌کنده» که ده مخروطی‌ای است رودخانه ، قوسی زده از خاک ایران خارج شده داخل خاک شوروی می‌شود .

مسیر ارس را از نقطه‌ای که وارد خاک ایران می‌شود تا محلی که داخل خاک شوروی می‌گردد می‌توان به قسمت متمایز تقسیم نمود :

رودخانه ارس ، که با ۲۷۵ کیلومتر طول ، مرز شمال شرقی کشور ایران را با کشور شوروی تشکیل می‌دهد یکی از رودخانه‌های پر آب و مهم کشور است ، طول آن از سرچشمه تا مصب در حدود ۱۰۷۲ کیلومتر بوده ، مساحت آبریز این رودخانه تقریباً ۱۰۰۲۲۰ کیلومتر مربع ، و از دوشاخه مجزی سرچشمه می‌گیرد .

شاخه اولی از رشته کوه‌های موسوم به «همین گول‌داغ» یا «بین گول‌داغ» (هزاربرکه) که در جنوب و ارضروم و نزدیک سرچشمه‌فراات قرار گرفته و ارتفاع آنها به ۳۱۵۲ متر میرسد سرچشمه می‌گیرد ، و سپس پس از طی مسافتی نسبتاً طولانی و گذشتن از دره‌های پیچ در پیچ از جنوب ارتفاعات «قارس» و شمال کوه‌های «آرادات بزرگ» با جذب شاخه‌های متعددی بسیر خود ادامه داده ، وارد جلگه «ایروان»

و کوچک وجود دارد که در اصطلاح محلی به آنها «شام» می‌گویند این جزایر در مواقع سیلابی زیر آب رفته و پس از فروکش کردن آب رودخانه دوباره ظاهر می‌شوند و برای دامها و احشام طرفین رودخانه مراتع خوبی هستند و اخیراً این جزایر؛ یا شام‌ها، بین دولتین ایران و شوروی بر اساس مقاله نامه‌ای تقسیم گردیده است رودخانه ارس در طول تاریخ بانامهای مختلفی نامیده شده و در کتب جغرافیای قدیم و تواریخ و تفاسیر، از آن نام برده‌اند.

همچنین در اطراف این رودخانه، وقایع و حوادث و رویدادهای بی‌شمار تاریخی از هزاره اول قبل از میلاد تا عهد نامه گلستان و ترکمانچای رویداده است (۱)

بنا به عقیده مستشرقین رودخانه ارس همان «دائی تیای»، معروفست که در کتاب «اوستا» از آن ذکری بمیان آمده و بنا بر روایت کتاب نامبرده زرتشت در نزدیکی آن تولد یافته و شهر باستانی «آرتاکسانا» در کنار این رود واقع بوده است.

یونانیان در کتب خود، این رودخانه را بانامهای «آراگس» Ἄραξ و سیروس باعتبار نام کوروش آورده‌اند، و جغرافیا نویسان عرب، آنرا «الرس» نوشته و در قدیم «اراسک» نام داشته است.

دانشمند فقید (لسترنج) نیز در کتاب خود بنام «سرزمینهای خلافتی شرقی»، در صفحه (۱۹۱) در

۱ - قسمتی که از سرحد شوروی تا جلغا این رودخانه در آن جریان دارد رودخانه در جلگه نسبتاً مسطحی جباری است و جریان آن تقریباً آرام است.

۲ - ناحیه‌ای که رودخانه، از جلغا تا حدود «اصلاندوز» در آن می‌گذرد کوهستانی و دره است سنگستانی واقع بین قراداغ (ارسباران فعلی) و قراباغ، چون این رودخانه از یک بستر سنگی با شدت وحدت بیشتری از دره‌ای بدیده دیگری جریان دارد. با سرعت زیاد حرکت کرده، از برخورد آن با تخته سنگهای عظیم که در وسط رودخانه قرار گرفته، غرش سهمناکی از مسافتات دور بگوش می‌رسد.

۳ - از «اصلاندوز» تا جایی که رودخانه ارس خاک ایران را ترک می‌کند در کنار دشت مغان در جلگه مسطحی جاریست که سابقاً بادیهای زیادی در همین منطقه بوده است که بعداً همگی از بین رفته و آثاری جز یکی دو تپه از آنها باقی نمانده است و در همین مقاله به آنها اشاره خواهیم کرد.

همانطور که گفته شد اکثر مسیر ارس کوهستانی و غیر قابل کشتیرانی است ولی سابقاً برای رفت و آمد بطرفین رودخانه از گلگهای محلی که بنام «پله» نامیده می‌شد در جاهائیکه رودخانه در مواضع مسطح جاریست از آن استفاده می‌نمودند.

در رودخانه ارس جمماً ۸۰۵۰ جزیره بزرگ

تاریخی سال ششم شماره ۲ مورخ خرداد ماه ۱۳۵۰

(۱) توضیح بیشتر آنرا در مجله بررسیهای و شماره‌های بعد نوشته‌ایم.

خصوص این رودخانه چنین می نویسد .
 دورودی که ایالت «اران» را از دو جانب در
 بر می گیرد نزدیونیان بنام «آراکس» و «سپروس»
 معروف بود ولی اعراب دورود را نهرالرس
 (ارس) و نهرالکر (یارودخانه کر) نامیدند .
 درپاره‌ای از کتب معتبرلفت نیز مانند «آندراج»
 ناظم‌الاطباء ، «انجمن آراء» کلمه رس را مخفف
 ارس قید نموده‌اند .
 و بقول فرهنگ جهانگیری و برهان قاطع ، رس
 نامی است که اعراب در کتب خود برودخانه ارس
 اطلاق نموده‌اند .

* * *

ارس در ادبیات فارسی

نام ارس نه تنها در کتب جغرافیا و تواریخ بقواتر
 آمده بلکه در ادبیات نیز جایی برای خود باز کرده
 است چنانکه حکیم نظامی گوید :

اگر خواهد به آب تیغ گلرنگ
 بر آرد رود رس از چشمه زنگ
 و یا در غزل معروف خواجه شیرازی که گوید :

ای صباگر بگذری بر ساحل رود ارس
 بوسه زن بر خاک آن‌وادی و مشکین کن نفس
 و باز حکیم نظامی گوید :

ارس را در بیابان جوش باشد
 بدریا چون رسد خاموش باشد
 و یا در این بیت هاتفی که گوید :

در آورد کشتی به آب ارس
 ز دریای لشکر ارس ماند پس
 و بسیاری ادبیات دیگر که ما برای اجتناب از
 الطناب گفتار در اینجا از ذکر آنها خودداری مینمائیم .

همانطور که قبلاً ذکر گردید مطابق اسناد تاریخی ،
 در آن طرف رودخانه ، شهرهایی وجود داشته که
 معلوم نیست در اثر چه عواملی این شهرها و مراکز
 تمدن قدیم از بین رفته و آثاری جز تل خاک از آنها
 باقی نمانده است که می‌توان از آنها «بهرام تپه» و
 «قلعه اوستان» را در مغان ایرانی و «شهریار» را
 در مغان شوروی نام برد چنانچه یعقوبی نیز در کتاب
 «البلدان» در ذکر شهر «تفلیس» به رودخانه ارس
 و قصه اصحاب‌الرس اشاره کرده و چنین مینویسد :

(تفلیس شهری است در ارمنستان که میان آن و
 «قالیقله» سی فرسخ است و رودخانه‌های بزرگ از
 «قالیقله» سرچشمه می‌گیرد ، سپس روی بمغرب تا
 «دبیل» می‌رود پس از آن تا «ورثان» پیش می‌رود
 آن‌گاه بدریای خزد می‌ریزد و دوم یعنی رودخانه
 کبیر (کر) از شهر «قالیقله» سرچشمه می‌گیرد ،
 آن‌گاه تاشهر تفلیس و از آنجا رو بشرق تا برده و
 سرزمین آن جریان دارد پس از آن بدریای خزد
 نزدیک میشود و با رودخانه ارس بر خورد کرد
 بیکدیگر می‌پیوندد و گفته می‌شود که پشت سر
 رودخانه سیصد شهر ویرانست و اینها همانست که
 خدای متعال داستان آن و اصحاب رس را ذکر
 کرده است و «حنظله بن صفوان» را برایشان مبعوث
 کرد پس او را کشتند و خدای نابودشان ساخت و در
 باره اصحاب رس جز این هم گفته‌اند .

از همه جالبتر و مهمتر اینکه به قصه اصحاب
 ارس در قرآن کریم نیز در چند جا اشاره شده است
 مانند این آیه شریفه در سوره مبارکه فرقان :

و عادا و نمودا و اصحاب‌الرس و قرونابین ذلك
 کثیراً (۱)

برخی از مفسران می‌گویند که «اصحاب رس» اصحاب «حنظله بن صفوان» است که از انبیاء می‌باشد خداوند عالم ، مرغ بزرگی را بر آن قوم مسلط نمود که اطفال آنها را می‌ربود و در آن مرغ از هر رنگی بود و آن مرغ را برای درازی گردن «عنقا» می‌نامیدند .

از اینکه اصحاب تفسیر بوجود مرغی که اطفال را می‌ربودند اشاره نموده اند شاهد دیگری می‌آوریم که شاید مؤید گفتار اصحاب تفسیر باشد و آن اینکه صاحب کتاب عجایب المخلوقات «زکریا بن - محمود المکمونى القزوينى» (۶۰۲-۶۸۲) هنگام نام بردن از رودخانه ارس از زبان «دیسم» یکی از فرمانروایان قرن چهارم آذربایجان ، چنین می‌نویسد :

«دیسم پسر ابراهیم ، خداوند آذربایگان : گفت : با سپاه خود از روی پل ارس می‌گذشتم چون بمیان پل رسیدم زنی را دیدم که کودکی در قنداق در بغل خود داشت . خاکه‌ها یکی از رستوران تنه‌ای باورده بینداخت و کودک از بغل او پرتاب شده چون فاصله از پل تا کف آب بسیار است پس از زمانی به آب رسیده و غوطه‌ای خورد ؛ دوباره بالا آمد و از سنگهائی که در کف رود است آسیبی ندیده بود ، در این میان یکی از عقابها که بفرآوانی در کنار رود آشیانه دارند کودک را از روی آب بریود و او در نوک خویش ، راه بیابان پیش گرفت من دسته‌ای را از دنبال فرستادم که چون عقاب در بیابان پائین آمده قنداق را پاره می‌کرد ایشان رسیده هیا هو کردند . کودک را گذارده ؛ پرواز کرد اینان

هم چنین در سوره مبارکه (ق) در آیه شریفه (۱) می‌فرماید : (کذبت قبلهم قوم نوح واصحاب الرس ونمود وعاد) .

در سوره والذاریات نیز در دو جابه حدیث عاد و ثمود اشاره کرده شده و می‌فرماید : «وفی عاد اذا ارسلنا علیهم الريح العقیم» ، « مات فدمن شیئی امت علیه الاجملته کالریم» .

و در آیه دیگر باز می‌فرماید : «وفی ثمود اذ قیل لهم تمتموا حتی حین . فتمواعن امر ربهم فاخذتهم الصاعقه وهم یظنون» . (۲)

علاوه بر این در اشعار شعراء نیز به مسأله اصحاب رس ؛ توجهی شده است چنانکه حکیم سوزنی در این بیت لطیف می‌گوید :

تا به قرآن قصه اصحاب رس خوانده شود
بی رسن باد ، بد ، اندیش تواند قمر رس

اصحاب رس و داستان آنها

در باره اصحاب رس مفسران و مورخان اظهار نظرهای مختلف و متفاوتی نموده اند که مادر اینجا بچند فقره از آنها اشاره می‌کنیم :

و با حدیثی از علی (ع) و امام زین العابدین (ع) این گفتار را پایان می‌رسانیم :

ای مسمود در تفسیر خود می‌گوید : «اصحاب - الرس قومی بت پرست بودند پس خدا شعیب (ع) را بر آن قوم فرستاد و او را تکذیب کردند و دعوت او را اجابت ننمودند و خداوند همه آن طایفه را با خانه و کاشانه در چاهی عظیم که در اطراف آنان بود و رس نام داشت فرو برد و هلاک نمود» .

احدی ازمن درباره آن سؤال نکرده و جزمن ، کسی از آن بتو خبر نخواهد داد .

در کتاب خدا هیچ آیه ای نیست مگر این که من آنرا می دانم و تفسیرش را کاملاً آشنا هستم و میدانم که در کجا نازل شده ؟ در صحرائی همواره ، یا در کوه ، و در چه موقع از شب و روز در حالیکه به سینه اش اشاره می کرد فرمود : در اینجا دانستیهای زیادی هست و لکن طالبان آن کم هستند .

همینکه مرا از دست دادید پشیمان خواهید شد . ای برادر تمیمی داستان آنان از این قرار بود که آنان قومی بودند درخت صنوبر را که آنرا «شاه درخت» می خواندند پرستش می کردند . این درخت را «یافث بن نوح» کاشته بود در کنار چشمه ای که «روشاب» نام داشت ، آنها اصحاب رس نامیده شدند بدین سبب که آنان پیغمبرشان را زنده بگور کردند . این واقعه بعد از سلیمان بن داود بود . اصحاب رس دارای دوازده قریه در کنار نهری بودند که آنرا نهر رس می نامیدند . این نهر در بلاد مشرق بهمین اسم نامیده می شد .

در هیچ جا نهری بزرگتر و شیرین تر از آن وجود نداشت و هیچ شهری آبادتر از آنها پیدا نمی شد ، نام اوای «آبان» ، دومی «آذر» ، سومی «دی» ، چهارمی «بهن» ، پنجمی «اسفند» ، ششمی «فروردین» ؛ هفتمی «اردیبهشت» ، هشتمی «خرداد» ، نهمی «مرداد» ؛ دهمی «تیر» ، یازدهمی «مرداد» و دوازدهمی «شهریور» بود .

و بزرگترین آنها اسفندار بود که پادشاه آنان در آنجا سکونت داشت و نامش «ترکوز بن غابور» بود چشمه رس و درخت صنوبر هم در آن شهر واقع شده بود .

چون بکودک رسیدند زنده بود و گریه می کرد ، برداشته پیش مادرش آوردند !

راجع به «الرس» علی بن ابراهیم قمی که از قدمای مفسرین شیعه می باشد گوید : «الرس نهری بناحیه آذربایجان ، که مقصودش همان رودخانه ارس می باشد .

در برهان قاطع نیز گوید که «رس» نام رودخانه ایست که به ارس اشتهار دارد . و اما یکی از اخبار تفسیری که راجع به اصحاب الرس در دست ماست عبارت است از تفسیری که در صافی ذیل تفسیر آیه (۴۰) از سوره فرقان از امام زین العابدین روایت کرده است که ایشان هم از پدر بزرگوار خود امام شهید حسین بن علی علیه السلام بروایت از پدر بزرگوار خود علی ابن ابیطالب (ع) شنیده است که ذیلاً بنقل آن مبادرت می کنیم :

در کتاب عیون (۱) از امام زین العابدین (ع) ، از پدرش امام شهید حضرت حسین بن علی (ع) روایت شده که فرمود : سه روز پیش از شهادت حضرت علی بن ابیطالب (ع) شخصی از اشراف قبیله «بنی تمیم» بنام «عمرو» ، به حضور حضرت علی (ع) آمد و گفت یا امیر المؤمنین در باره اصحاب رس بمن خبر ده ، که در کدام عصر بوده اند و محل سکونتشان کجا بوده ؟ پادشاه آنان کی بود ؟ و آیا خداوند پیغمبری برایشان مبعوث کرد یا نه ؟ و با چه چیز به هلاکت رسیدند :

من در قرآن مجید داستان آنان را نمی یابم . علی (ع) فرمود : از حدیثی پرسیدی که پیش از تو

(۱) کتاب اخبار الرضا را صدوق «علیه الرحمه» که از محدثین بزرگ شیعه و در قرن چهارم هجری زندگی می کرده و صاحب یکی از کتب اربعه است نوشته و برای صاحب بن عباد وزیر دانشمند ایرانی فرستاده است .